

والدین و شیوه‌های فرزند پروری

گروه آموزشی مشاوره استان زنجان

تعریف فرزند پروری

اصطلاح فرزندپروری از ریشه پاریو (pario) به معنی «زندگی بخش» گرفته شده است. منظور از شیوه‌های فرزند پروری، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آن‌ها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. ولی باید پذیرفت که رفتارهای فرزند پروری به واسطه فرهنگ، نژاد و گروه‌های اقتصادی تغییر می‌کند.

شیوه‌های فرزند پروری

شیوه‌های فرزند پروری شامل دو معیار عمده هستند: محبت و کنترل والدین.

کنترل والدین آن دسته از رفتارهای والدین را شامل می‌شود که در خدمت جامعه پذیری (فرایند انتقال ارزش‌های اجتماعی از والدین به فرزندان) کودک قرار دارد. این امر به صورت توانایی والدین در اعمال رهنمود، ثبات، توانایی تحمل رفتارهای نامطلوب (برای مثال فریاد کشیدن، بهانه‌جویی، گریه و ...) و استفاده از مشوق‌ها و تقویت‌ها، نمود دارد. محبت نیز شامل صمیمیت، علاقه، مهربانی و عاطفه والدین می‌باشد. بر اساس این دو شاخص مهم، شیوه‌های فرزند پروری را به سه دسته عمده تقسیم می‌کنند: شیوه مقتدرانه، شیوه سهل‌گیرانه، شیوه استبدادی.

۱- شیوه مقتدرانه

والدینی که از این شیوه استفاده می‌کنند، واقعیت‌ها را به کودکان خود منتقل می‌سازند، و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودک خود در رد یک رهنمود (دستور) از خود نشان می‌دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می‌جویند و به منظور توافق با کودک با او گفت‌وگو می‌کنند، از رفتارهای نامطلوب نمی‌ترسند و تاب مقاومت در برابر عصبانیت کودک را دارند. والدین مقتدر به تلاش‌های کودکان در جهت جلب حمایت و توجه پاسخ می‌دهند و از تقویت‌های مثبت بیشتری استفاده می‌کنند. این والدین در بعد محبت نیز عملکرد خوبی دارند و در ابراز محبت و علاقه و مهربانی دریغ نمی‌ورزند. آن‌ها حقوق ویژه خود را به عنوان یک بزرگسال می‌شناسند و به علایق فردی و ویژگی‌های خاص کودک خود نیز آگاهی دارند.

کودکان این والدین؛ فعال، دارای اعتماد به نفس، استقلال رای، واقع‌گرا، باکفایت و خشنود، توصیف شده‌اند. آن‌ها به دلیل این‌که والدینشان فرصت‌های زیادی در تصمیم‌گیری و انتخاب در اختیارشان قرار می‌دهند و به خاطر این‌که مورد عشق و محبت واقع می‌شوند از نوعی احساس امنیت عاطفی برخوردارند.

۲- شیوه سهل‌گیرانه

والدین سهل‌گیر کنترل کمتری بر کودکان خود اعمال می‌کنند و خواسته‌های آن‌ها چندان معقول نیست. مهرورزی و محبت آن‌ها در حد متوسطی قرار دارد. خانواده این والدین نسبتاً آشفته است. فعالیت خانواده، نامنظم و اعمال مقررات، اهمال کارانه است. والدین کنترل کمی بر کودکانشان دارند، همین‌طور در خصوص انضباط کودک از نگرش‌هایی متعارض برخوردارند. والدین سهل‌انگار در عین آن‌که به ظاهر نسبت به کودکان خود حساس هستند، اما توقع چندان از آن‌ها ندارند. فقدان خواسته‌های معقول همراه با خودداری از ارائه دلیل و گفت‌وگو با کودک، همواره از ویژگی‌های این شیوه به شمار می‌رود. این والدین بسیار به ندرت به فرزندان خود اطلاعات صحیح یا توضیحات دقیق ارائه می‌دهند. در عین حال والدین سهل‌انگار زورگو و سرکوبگر هستند. آن‌ها از روش‌های احساس‌گناه و انحراف استفاده می‌کنند. این والدین همچنین در بیشتر موارد در مواجهه با بهانه‌جویی و شکایت کودک، سر تسلیم فرود می‌آورند. والدین سهل‌انگار در ابراز محبت با والدین مقتدر تفاوت فاحشی ندارند. مادران سهل‌انگار به عنوان تنبیه، کودک را از محبت خود محروم می‌سازند و به تمسخر او می‌پردازند. یک والد سهل‌انگار در تلاش است درباره خط مشی خود با کودک مشورت کند و قواعد خانواده را برای او توضیح دهد. او توقع چندان برای انجام کارهای منزل و رفتار صحیح از کودک خود ندارد. او خود را به عنوان عاملی فعال که هر گاه بخواهد، می‌تواند از آن استفاده کند؛ نه به عنوان عاملی که مسئول شکل‌دهی یا تغییر رفتار کنونی یا آتی کودک است، معرفی می‌کند.

والدین و شیوه‌های فرزند پروری

کودکان این والدین از اتکاء به خود، خودداری می‌کنند و یا از استقلال رای اندکی برخوردارند. این کودکان به صورت افرادی نسبتاً ناپخته توصیف شده‌اند که هنگام مواجهه با ناملایمات، تمایل به واپس‌روی (روی گردانی) دارند. این کودکان نسنجیده عمل می‌کنند و به فعالیت بی‌هدف می‌پردازند. این کودکان نیز تکانشی، پرخاشگر و فاقد اعتماد به نفس هستند و رفتارهای بزهکارانه از خود نشان می‌دهند.

۳- شیوه استبدادی

نمایش قدرت والدین اولین عاملی است که این شیوه را از دو شیوه دیگر متمایز می‌سازد. این والدین بسیار پرتوقع بوده و پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند. پیام‌های کلامی والدین یک جانبه و فاقد محتوای عاطفی است. والدین مستبد غالباً هنگام اعمال دستورات، دلیلی ارائه نمی‌دهند. این والدین نسبت به سایر والدین در میزان مرعوب شدن در برابر رفتارهای نامطلوب، در حد متوسطی قرار دارند. در میان این سه شیوه، والدین در شیوه استبدادی کمترین مهرورزی و محبت را از خود نشان می‌دهند. به ویژه این والدین به ندرت در رابطه‌ای که منجر به خشنودی کودک شود، شرکت می‌کنند. آن‌ها عموماً نسبت به تلاش‌های کودکان برای حمایت و توجه بی‌تفاوتند و به ندرت از تقویت مثبت استفاده می‌کنند. ابراز محبت در این الگو در پائین‌ترین سطح قرار دارد. این والدین، تایید، همدلی و همدردی اندکی را نسبت به فرزندان خود ابراز می‌کنند و شواهد اندکی مبنی بر روابط قوی میان مادر و فرزند وجود دارد. در حقیقت بر اساس گزارش‌های موجود، این والدین برای کنترل کودکان خود از شیوه‌های ایجاد ترس استفاده می‌کنند و هیچ‌گونه تفاهمی بین والدین مستبد و فرزندان‌شان وجود ندارد. این والدین اطاعت کودک را یک حسن تلقی می‌کنند و در مواقعی که اعمال و رفتار کودک در تعارض با معیارهای آن‌ها قرار می‌گیرد، از تنبیه و اعمال زور برای مهار خواسته کودک استفاده می‌کنند. بر اساس تحقیقات، فرزندان والدین مستبد نسبت به فرزندان والدین مقتدر در برقراری رابطه با همسالان و داشتن موقعیت فعال و نیز استقلال رای در سطح پایینی قرار می‌گیرند. این کودکان همچنین فردی خشمگین، منزوی، غمگین و آسیب‌پذیر نسبت به فشار (استرس) و محتاط توصیف می‌شوند.

بحث و نتیجه‌گیری

شیوه‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند، نقش اساسی در تامین سلامت روانی فرزندان آن‌ها دارد. در سایه ارتباط سالم است که می‌توان نیازهای فرزندان را شناخت و نسبت به تامین و ارضای آن‌ها همت گماشت. همان‌گونه که اشاره شد، هر یک از این شیوه‌ها اثراتی بر رفتار کودکان دارند که در این میان اثرات مخرب و منفی شیوه‌های سهل‌گیرانه و مستبدانه بیشتر است. آن‌چه اهمیت دارد این است که طبق تحقیقات انجام گرفته، بهترین شیوه فرزند پروری، شیوه مقتدرانه است که والدین در عین گرم و صمیمی بودن با فرزند خود، کنترل‌کننده و مقتدر هستند. این شیوه به فرزندان کمک می‌کند تا با هنجارهای اجتماعی بهتر سازگار شوند و همچنین تاثیر کمی بر آزادی‌های فردی کودکان دارد. این کودکان با کفایت، واقع‌گرا، دارای اعتماد به نفس، فعال، خودنظم‌بخش و مسئول هستند.

راهکارها

در درجه نخست باید والدین را نسبت به شیوه‌های فرزند پروری و اثرات هر یک از آن‌ها بر فرزندان، آگاه کرد. این آگاه‌سازی از چند طریق امکان‌پذیر است:

- برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده در مدارس توسط مشاوران.
- برگزاری دوره‌های آموزشی برای والدین کودکان خردسال در مهد کودک‌ها.
- لزوم ایجاد دوره‌های آموزشی در مراکز فرهنگی مانند فرهنگسراها، کانون‌های تربیتی آموزش و پرورش، کانون‌های فرهنگی مساجد و اماکن مذهبی.
- برگزاری کارگاه‌های کوتاه مدت و فشرده یک روزه برای والدین.
- برگزاری جلسات برای مراقبین فرزندان بی‌سرپرست در مراکز بهزیستی.